شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

شنبه

سال پانزدهم
۲۶ اسفند ۱۴۰۲
۵ رمضان ۱۴۴۵
شماره ۴۱۸۱

Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
● صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
● مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
● سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
● دفتر مرکزی: ۵-۱ ۸۸۸۸ ۳۷۲-۰۵۱
● نمابر: ۳۸۴۹۰۳۸۴-۰۵۱
● روابط عمومی: ۳۸۴۸۳۷۵۲-۰۵۱
● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

۶۲٪ رطوبت هوا	↓ ۱۱° ↑ ۱۹°	
صبح ۹	ظهر ۱۸	
عصر ۱۷	شب ۱۴	

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۴۰:۰۱	نیمه شب شرعی ۲۲:۵۷:۵۵
غروب آفتاب ۱۷:۳۹:۵۷	اذان صبح فردا ۰۴:۱۴:۲۲
اذان مغرب ۱۷:۵۸:۰۹	طلوع آفتاب فردا ۰۵:۳۸:۳۹

کارتون شهر

رضا جنگی

در حاشیه افزایش حباب سکه

شوخی بی‌شوخی

می‌شه به تنظیماتش دست نزنید؟

طنزپرداز
مهدی محمدی

هم‌وطن گرامی ما هم می‌دانیم هر چه به عید نزدیک ترمی‌شویم سرتان شلوغ ترمی‌شود. بنابراین برای اینکه وقتتان را این دم عیدی زیاد نگیریم بدون هیچ توضیحی واکنش مردم و مسئولان را به مقوله تنظیم بازار منعکس می‌کنیم:

● **یک نوجوان:** آخر چرا تنظیم نرخ عیدی هرسال به خوبی انجام نمیشه و عیدی با بزرگ بیشتر از سال قبل نمیشه. امیدوارم مسئولان صدام رو بشنوند و یک حرکتی بزنند.

● **یک آپاراتی:** حالا درسته من فقط باد لاستیک تنظیم می‌کنم ولی این تنظیم بازاری که می بینم شبیه کار منه. فقط دارن قیمت ها رو باد می‌کنن.

● **یک ایده پرداز:** به نظر من بهتره به تک تک خانوارها، یک آیفون تصویری در قالب بسته حمایتی و معیشتی بدن تا اگه مهمون اومد در رو باز نکنن. این طوری خود به خود تقاضای میوه و آجیل و شیرینی میاد پایین و در ادامه قیمتش هم کم میشه.

● **حمید معصومی نژاد، رُمممم:** شما تنها نیستید. توی ایتالیا هم بازار عید نوروز همین حالتی است و مردم برای دو سه هزار تومان قیمت پایین تر توی صف سیب و پرتقال منجمد مخصوص نوروز می ایستند.

● **یک مسئول:** ما اطلاع نداشتیم بعد از اسفند بهار میاد، برای همین بازار رو تنظیم نکردیم. البته تقصیر مدیران رده بالاتر بودکه به ما این موضوع مهم رو اطلاع ندادن. امسال که نشد ولی امیدواریم اسفند سال بعد این موضوع رو به سمع و نظر ما برسونن.

● **یک منتقد:** باید مسئولی برای تنظیم بازار بیادکه توانایی خودش رو قبلا با اقدامات بزرگ تر ثابت کرده باشه. مثلا مسئولی رو برای تنظیم سیب و پرتقال شب عید بگذارند که قبلا کار بزرگ تری کرده باشه مثلا قیمت هندوانه شب یلدا رو تنظیم کرده باشه.

● **یک انسان کم توقع:** لازم نیست بازار پوشاک رو تنظیم کنند. فقط کاش به جای اینکه توی کوچه و خیابون کاج بکارند، چنار بکارند. چون برگ چنار بزرگ تره و بر خلاف برگ های سوزنی درخت کاج میشه ازش به عنوان پوشش استفاده کرد.

● **یک شهروند ساده:** راستش امروز رفتم بازار خریدکنم دیدم کارت بانکی همراهم نیست و نمیشه چیز خاصی بخرم. البته خودمونیم اگر هم همراهم بود باز هم نمی شد چیز خاصی بخرم.

● **یک بدبین:** آقا میشه به همین بازار دست نزنید. وقتی دستور اومد از تاکسی ها گزینه عجله دارم حذف بشه، قیمت ها بیشتر شد و حتی وقتی عجله نداریم همون قیمت عجله داریم رو باید بپردازیم.

اول شخص

اعداد ساختنی، جهان متناهی

یادی از رضا صادقی، نخبه مشهدی در رشته ریاضیات که از قربانیان حادثه سقوط اتوبوس حامل دانشجویان دانشگاه شریف در اسفندسال ۱۳۷۶بود

نویسنده
آزاده چشمه سنگی

باران بی امان، لباس های سیاه را بر تن بازماندگان چشم به راه سنگین ترکرده است. پدر و مادرها با حلقه های گل آمده اند. گل هایی که این بار نه گردن، که تابوت جوانانشان را مزین کند. قرار بود یک سمینار علمی پربار باشد با دستاوردهایی ماندگار، نه سفری بی بازگشت با داغ همیشگی بر دل خانواده ها. پیکرها راکه به والدین تحویل می دهند و مراسم سوگواری تمام می شود، تمامی پیکرها به سوی بهشت زهرا(س) تهران منتقل می شوند، جز یک تابوت که سفرش ادامه دارد، رضا صادقی به مشهد برمی‌گردد تا با مساعدت تولیت آستان قدس رضوی در صحن جمهوری حرم مطهر به آغوش خاک سپرده شود. رضاصادقی، هم دوره‌ای مریم میرزاخانی بود. با این تفاوت‌که میرزاخانی در پایتخت متولد شده و ادامه تحصیل داده بود، اما رضا صادقی روستازاده‌ای بود از توابع مشهدکه با نهایت تلاش، استعدادهایش را پرورش می داد. مادرش می‌گوید: رضا در سال سوم راهنمایی ریاضی یازده ونیم شد. سه سال بعد سر از المپیاد درآورد و این نشان دهنده تلاش بیش از حد او بود. وقتی می گوییم نابغه ممکن است دانش آموزان فکرکنند آن هایی‌که موفق می شوند بدون تلاش بوده است. رضا پشتکار عجیبی داشت. در خانه ریاضی می خواند، خسته‌که می شد به سراغ دیوان اشعار شاعرانی مثل سعدی می رفت. یعنی خستگی درس را با خواندن و مطالعه برطرف می‌کرد. پسربچه درس خوان و کوشای خانواده صادقی در دوران ابتدایی آن قدر از سوی معلم هایش تشویق و تحسین شد که دست آخر خانواده را برای فرصت شکوفایی بیشتر ترغیب کرد تا به مشهد کوچ کنند. به‌گفته مادرش: «اصلا دلیل آمدن ما به مشهد، رضا بود. از ابتدای دبیرستان هم با قبولی در استعدادهای درخشان، در جمع همتایان خود قرارگرفت و هم زمان در مسابقات قرآن و نهج البلاغه شهرستان و ناحیه نیز شرکت کرد و در ادامه، طی دوسال متوالی یعنی سوم و چهارم دبیرستان در دو رشته کامپیوتر و ریاضی استان، موفق به کسب مدال شد.

نقره کامپیوتر و طلای ریاضی.»

به این ترتیب صادقی از آزمون کنکور معاف و مستقیما مهیای حضور در دانشگاه صنعتی شریف شد. پس از این دستاورد بودکه به عضویت تیم ریاضی ایران درآمد و پس از شرکت در سی و پنجمین المپیاد ریاضی هنگ کنگ، رتبه دوم را در میان ۶۹رقیب از کشورهای گوناگون، کسب کرد. پس از آن به موجب مدال طلای دوازدهمین المپیاد ریاضی و پنجمین المپیادکامپیوتر کشوری، برای شرکت در سی و ششمین المپیاد ریاضی جهان در تورنتوی کانادا انتخاب شد و در سال ۱۳۷۴ با مدال طلا به ایران برگشت. یکم مهر همان سال نیز به دانشکده ریاضی صنعتی شریف وارد شد تا تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته ریاضی محض آغازکند در حالی‌که هم زمان رشته زبان فرانسه را نیز به موازات ریاضیات ادامه می داد. دانشجوی سال اول دانشکده، همچنان نیز تدریس و تمرین ریاضی در دانشکده علوم ریاضی صنعتی شریف و دوره آموزشی المپیاد ریاضی در باشگاه جوانان دانش پژوه به پا به پای دیگر فعالیت هایش پی گرفت. او که هم زمان از سوی مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات، بورسیه شده بود، در همان ترم اول سال تحصیلی کتاب «ریاضی عمومی ۲» را به نگارش درآورد، اما اسفند سال ۱۳۷۶ و شرکت در بیست و دومین رقابت و نخستین سمینار ریاضی دانشجویان کشور در اهواز، سرنوشت ناگواری را برای رضای بیست ساله در پی داشت. او که به همراه ۲۸ دانشجوی دیگر از دانشگاه صنعتی شریف، راهی اهواز شده بود تا مقاله «اعداد ساختنی، جهان متناهی» اش را ارائه دهد، در راه بازگشت از سمینار، جایی حوالی پلدختر لرستان، با سقوط اتوبوس حامل دانشجویان به دره، به همراه شش تن دیگر از جمله راننده، جان خود را از دست داد. بعدتر، تحقیقات علت سانحه را لغزندگی جاده بر اثر بارندگی، فرسودگی اتوبوس، فقدان سرعت سنج در اتوبوس و تسلط نداشتن راننده اعلام کرد. اگر رضا صادقی مجال حیات داشت، امروز بی شک از دانشمندان بنام در سطح بین الملل شناخته می شد.

سرنوشت دو تن از بازماندگان سانحه سقوط اتوبوس دانشجویان شریف در سال ۱۳۷۶

رویا بهشتی زواره

رویا بهشتی زواره پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه صنعتی شریف برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شد و در بیست وشش سالگی دوره دکتری ریاضی را در دانشگاه MIT به پایان برد. او مدتی به عنوان پژوهشگر ارشد ریاضی در مؤسسه ریاضیات ماکس پلانک آلمان فعالیت داشت و یک سال بعد به عنوان پژوهشگر پسادکتری به دانشگاه کویین کینگستون کانادا رفت.

وی در سال ۲۰۰۶ در حالی‌که فقط ۲۹ سال داشت به عنوان محقق ارشد به دانشگاه کالیفرنیا در برکلی پیوست و از همان سال استادیار ریاضی دانشگاه واشنگتن در سنت لوئیس است. بهشتی زواره در سال ۲۰۰۹ به دانشیاری دانشگاه ارتقا یافت.

مریم میرزاخانی

میرزاخانی ۱۷ سال پس از سانحه سقوط اتوبوس در حالی‌که استاد دانشگاه استنفورد بود به عنوان نخستین زن ریاضی‌دان جهان موفق به دریافت مدال «فیلدز» شدکه از آن به عنوان «نوبل ریاضیات» یاد می شود. میرزاخانی‌که به دلیل تحقیقات برجسته اش در حوزه هندسه و نظریه ارگودیک کاملا شناخته شده است به همراه آرتور آویلا، مانجول بهارگوا و مارتین هایرر، ۲۳ مرداد سال ۱۳۹۳ درکنگره بین المللی ریاضیات در سئول کره جنوبی مدال فیلدز ۲۰۱۴ را دریافت کرد. بنابر اعلام داوران، مریم میرزاخانی در زمینه نظریه سطوح ریمانی و فضاهای مدولی آن به پیشرفت های چشمگیری رسید و افق های جدیدی را در این رشته گشود. میرزاخانی در سال ۱۳۹۶ پس از تحمل یک دوره بیماری بدرود حیات گفت.

کوچه

تغزلِ این نوروزِ رمضانی

روزنامه نگار
غلامرضا نبی اسدی

آدمی است و عشقِ نوشوندگی. شایددلیلِ بیشتردوست‌داشتن صبح از غروب هم در همین نهفته باشد. در علاقه به آغاز، به نوشوندگی. هرچه مثل بای بسم ا... از آغاز حکایت کند، خواندنی و شنیدنی است. نوروز هم حکایتی از این دست را برای ما داستان می کند تا ما را، همه ما را هم راستا با داستانِ آغاز، از کهنه راه ها نجات دهد. عشق به نوروز هم به امید روزهایی است که مشق از این سرمشق بنویسند تا زندگی زیباتر رقم بخورد.

نوروز برای ما عزیزتر است از آن جهت که به عطرِ هوشیاری بخشِ رمضان هم طراوت و حلاوت یافته است. ما به یک نفس، دو آیه را تنفس می کنیم. هم آیات قرآن را و هم آیاتِ طبیعتِ یار را. طبیعتی که ترجمه تجسم یافته کتاب خداست. ا... اکبر که هرکس طبیعت را فهمید به راز آیات و بشارت های دوست، رسید و رمز بندگی چنان برایش گشوده شد که به مقام عظمای بندگی رسید. بندگان و فقط بندگان ربِ ودودند که با باطاهر راز بان خویش کرده اند تا بسراید:

به صحرا بنگرم صحرا ته وینم
به دریا بنگرم دریا ته وینم
به هرجا بنگرم کوه و در و دشت
نشانِ روی زیبای ته وینم

بندگان و فقط بندگان اند که خداوند چنان بر دلشان نشسته است که جز او نمی بینند و جز او نمی شنوند. چشمه، چشمشان را به روی یار بیدار می کند و گُل، شرحِ جمال دوست می کند برایشان. صحرا، ساحتِ معرفت است و دریا، دایره دل پسندی. کوه و در و دشت هم آینه جمال و جلال اویند. کسانی که در این آینه نگاه می کنند و دوست می بینند به صفات حضرت متصف می شوند و همه چیز را در دایره نگاه و شعاع انوار او می بینند.

چنین است که مهربانی در آن ها مدام در افزایش است. نگاهشان چنان پر امید و گیراست که می توان به گرمای دستانشان از انتهای زمستان به صبح نوروز رسید. مردمان خداجو و خدایاب، مردمان را یار و غم خوارند.

پیش پای نوروز می کوشند به سنتِ امام رمضان علی(ع)، پدری را در حق یتیمان و برادری را در حق نیازمندان تمام کنند. قطعا مسئولان هم برای قرار گرفتن در تعریف علوی، کوشش خود را باید چنان سامان دهند که زندگی مردم از بی سر و سامانی نجات پیدا کند.

آن ها به آموختن از امام علی(ع) اولاترند که بکوشند هم به عنوان کارگزاران حکومت، حکمت در کار کنند تا سال نو بهتر از امسال باشد و هم به عنوان مومنان شهروند نظام، نظمی در کار کنند که بی نظمی از جامعه رخت بربندد.

این گونه می شود با جریان امید در کشور تکلیف خود را برای بهتر شدن حال مردم به انجام برسانند. آدمی است و نوروز. نوشدن، حال آدم را خوب می کند به ویژه وقتی خود از گذر رمضان گذشته باشد.

روایت یک قاب

باران آیه ها

عکاس و نویسنده
حمید سبحانی

پس از ورود به عصر دیجیتال، عکاسی هم با عبور از دوره فتوشیمیایی و دوربین آنالوگ وارد عرصه نوینی از ثبت های بصری شد. از سویی در یک دهه گذشته تولید و همه گیری گوشی های مجهز هوشمند و تنوع بالای پلتفرم های متنوع اشتراک گذاری عکس و تصویر در قالب شبکه های مختلف اجتماعی باعث شد ثبت تصویر و تولید عکس روند رو به سرعت و پر تعداد به خود بگیرد. این اتفاق و روند آن باعث تأثیرات و تغییرات مهمی در حوزه تولید تصویر و به خصوص عکاسی شد. از طرفی باعث شد تعاریف کلاسیک زیبایی شناسی دچار تغییر بشود و از سویی انبوه عکس و تعدد میلیونی و هرروزه عکس های تولید شده رقابت را برای دیده شدن عکس ها سخت تر کرد. تمام این نکات به این معناست که در دنیای عکاسی، عکسی دیده می شود که یا موضوع منحصر به فردی را نمایش بدهد یا به موضوعی همه گیر نگاهی نو و متفاوت داشته باشد.

عکس سید حمید حسینی، عکاس جوان مشهدی قابی است ساده و متفاوت از مراسم شب قدر در حرم مطهر رضوی.

سال گذشته در یکی از شب های قدر، آسمان حرم مطهر شاهد نزول بارش باران بود، این رویارویی زیبا بین مردم حاضر در مراسم شب قدر و خواندن دعای جوشن کبیر و ریزش قطرات باران از دید عکاسان مغفول نماند.

عکس حسینی نمای بسته دو کتاب دعای باز را در پشت پرده‌ای از قطرات باران نشان می دهد. دو زن که همچنان باوجود بارش باران با استفاده از سرپناهی نایلونی به خوانش دعا ادامه می دهند.

عکاس آگاهانه تصویر سوژه انسانی را در قاب خود حذف کرده است، زیرا تمام مفهومی که به دنبال آن است در همین قاب بسته و دولایه دیده می شود. پرده شفاف قطرات باران هم‌زمان استعاره ای است از نزول رحمتی که برای این شب مهم ماه رمضان وعده داده شده است. تصویر صفحات منقش به دعا نیز کامل کننده این معناست برای استغاثه و درخواست. پس اهمیتی ندارد که چهره شخصیت ها دیده بشود. عکس با این ترکیب بندی جسورانه تبدیل می شود به چهره ای از شب قدر و ماه رمضان.